

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائق رستاقی
۱۲ دسمبر ۲۰۲۲

جنايات اسلامي طالبان و ریاکاری ملل متحد و دول امپریالیست غربی شریک ایمن جنايات



پولیس مذهبی طالب حین دره زدن یک زن در ولایت پروان افغانستان

طليعة سخن:

گروه وحشی و فاشیست طالبان از بدو امر، خود محصول مداخلات بی شرمانه، دسایس بی شمار پی هم، تجاوز و اشغالگری امپریالیست های هزیمت یافته متجاوز، اشغالگر و قاتل امریکا - ناتو و ارتجاع اسلامی دول منطقه بوده است. طرح تقویت گروه وحشی و خودفروخته طالبان و انتقال مسالمت آمیز و بدون مقاومت دولت خیانت ملی متشکل از مزدوران قبلی امپریالیسم و داشته های آن، در رأس غنی فراری دلچک استعمار، به این گروه، مدت ها قبل از هزیمت نهائی ستراتیژی اشغالگرانه امپریالیست های سازمان نظامی جنایتکار ناتو و شرکای غیر ناتوی آن، توسط ستراتیژیست های عمدتاً امریکائی در تفاهم کامل با متحدان اروپائی، کاندائی، استرالیائی و سائر متحدان امپریالیسم اشغالگر امریکا دسیسه کارانه ریخته شد. این طرح تحمیلی ننگین استعماری با پایه ریزی مقدمات حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک آن با مذاکرات و امضای معاهده دوحه، نهائی شده و پس از امضای آن معاهده تحمیلی و میهن فروشانه بین

نمایندگان امپریالیسم امریکا و نمایندگان گروه مزدور طالبان در تفاهم کامل با دول اروپائی و دولت پاکستان؛ اجرائی شده و طبق مفاد آن؛ در عین بی باوری، تعجب، دستپاچگی و استیصال مزدوران "مدنی" و "سیاسی کار" تسلیم شده به امپریالیسم اشغالگر و خائن به مادر میهن و خلق افغانستان؛ آوار قدرت پوشالی از دولت مزدور غنی به گروه مزدور و منفور طالبان انتقال یافت.

طی بیشتر از یک و نیم سال امپریالیست های جنایت پیشه امریکا - ناتو در رقابت با تحرکات مشابه امپریالیست های محور مسکو - بیجینگ بابت سرمایه گذاری روی پروژه نواستعماری طالبان، در خفا و علن روابط مستقیم و غیرمستقیم سیاسی، اقتصادی و استخباراتی با گروه و نظام توحش اسلامی آن به نام "امارت اسلامی" طالبان داشته اند. گروه خون آشام طالبان به رسم فاشیست های هیتلری به طور علنی سیاست ها و رویکرد های تمامیتخواهانه فاشیستی، شوونیسم قومی - جنسیتی در قبال کتله های انسانی غیرطالبانی، غیرپشتونی، زنان و دگر اندیشان توأم با برپائی محاکم صحرائی را پیشه و اجرائی کرده و با ارجاع به احکام الهی، نصوص قرآنی و حکم امیرالمؤمنین غایب و نامرئی، افغانستان را به زندان و صحنه دادگاه حدود ۳۹ میلیون زنان و مردان بی دفاع، اسیر و دربند آن مبدل کرده است. در حالی طالبان در روز روشن و در ملاء عام این سیاست های فاشیستی را به گونه فاشیست های هیتلری اجرائی می کند که همین دول امپریالیستی متجاوز غربی پس از شکست نخستین در افغانستان، تجاوز شان را در وجود طالبان در عین اغماض این رویکرد های ضد انسانی و تبعیض آمیز این گروه و امارتتش، به رغم شکوائیه های نرم ریاکارانه در محافل عمومی، با ادامه مغزله و روابط پیدا و پنهان تداوم بخشیده اند و با ارسال میلیارد ها دالر و یورو به "امارت طالبان" بدون درخواست سند مصرف، برای جلوگیری از سقوط آن، جنایتکارانه و تجاوزکارانه تداوم بخشیده اند.

به اصطلاح، "ملل متحد" در نقش مؤید و مرجع صدور تجاوز نظامی اشغالگری ۲۰ ساله امپریالیستی به افغانستان، ضمن چشم پوشی بر جنایات نظامیان و جواسیس اشغالگر در کشور ما و در حق مردم مظلوم ما، پیوسته هم به نعل کوبیده و هم به میخ و به مثابه یک نهاد مرجع جهانی با منشور و اصول حقوق بشری اش، بار ها هنگام بیماردمان نیرو های قاتل اشغالگر و دولتی و انتحار و انفجار مزدوران طالبی و داعشی امپریالیسم، به طور گنگ و اکنش خود را در حد انزجار بیان کرده و از محکومیت صریح عامل یا عاملان جنایات پی هم چهار و نیم دهه و به ویژه دو دهه اخیر به دلایل سیاسی و در هم تنیدگی آن سازمان با دول متجاوز غربی در افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، یمن، فلسطین و... امتناع ورزیده است. در حالی که در افغانستان تحت سیطره تراز فاشیستی طالبان زنان به مثابه نیمه نفوس محروم از تمام حقوق شان اند، بحران بیکاری و اقتصادی و بحران انسانی در میان مهاجران و بیجا شدگان درونی به اوجش رسیده است؛ همین اکنون نمایندگان این سازمان در بخش های مختلف مثل یوناما، یونسکو، یونیسف و "یو ان اچ سی آر" (UNHCR) یا "اداره مهاجرت ملل متحد" در عین مصارف خیلی گزاف در بخش معاشات مأموران غیرافغانی، دوائر و موتر و چاکر و سفر های هوائی، در زد و بند پیدا و پنهان با طالبان بوده و بر حیف و میل منابع کمک های نامنهاد "انساندوستانه" توسط پرسونل عالی رتبه خودش و افراد زورمند طالبان چشم می بندد. نباید فراموش کرد که همین نهاد "ملل متحد" از زمان ایجادش تا امروز در جغرافیای تحت نفوذ امپریالیسم امریکا، پیوسته در قبال معضلات و مسائل منطقه ئی و مشکلاتی که همین امپریالیست های محور بروکسل در هر کجا عامل آن بوده اند، موضع نزدیک و هماهنگ با این دول امپریالیستی اروپائی - امریکای شمالی داشته است. فهم این نکته هم در مورد دول مهاجم و توسعه طلب امپریالیستی شرقی و به ویژه غربی و "ملل متحد" توسط مردم افغانستان و سائر خلق های جهان مهم است که این دولت ها در هر کجا و در هر مقطع زمانی به دنبال منافع آزمندانه و پلید خود اند و به اصطلاح "ملل متحد" نیز در جای پای آنها پای می گذارد.

لذا، از همان روز فاجعه ۲۴ اسد سال پار تا همین اکنون هم دول استعمارگر عمدتاً غربی عضو سازمان تهاجمی ناتو و هم "ملل متحد"، به گونه ای مسؤول کلیه سیاست ها، رویکرد ها و عملکرد های تمامیتخواهانه فاشیستی، شوونیسم قومی - جنسیتی در قبال کتله های انسانی غیرطالبانی، غیرپشتونی، زنان و دگراندیشان، برپائی محاکم صحرائی به استناد احکام قرآنی و تبدیل هر گوشه افغانستان به زندان، شکنجه گاه و دادگاه حدود ۳۹ میلیون زنان و مردان بی دفاع، اسیر و دربند کشور ما، شمرده می شوند و از این جنایت های سیستماتیک و رویکرد های ضد انسانی طالبان در حق توده های زحمتکش تحت ستم، زنان، فرهنگیان، روشنفکران، دانشگاهیان، "غیرخودی ها" و اقلیت های مذهبی، به بند و زنجیر کشیده شده، جدائی ناپذیر اند.

* * *

موضوع بحث:

با این مقدمه که به فهم موضوع روشنی انداخته و کمک می کند، سر آن دارم تا در زمینه جنایات تازه اداره فاشیستی ضد ملی و ضد مردمی گروه مزدور و مرتجع با تفکر سنگگ شده و برپائی محاکم صحرائی، شلاق زدن و اعدام در ملأ عام و رویکرد ریاکارانه دول امپریالیستی غربی مثل امریکا، فرانسه، المان و سائر دول به اضافه "ملل متحد" مطلبی بنویسم. طالبان در ادامه جنایات تاکنونی افراد گروه شان، این موج تازه جنایت اسلامی شان را بابت برپائی محاکم صحرائی و اعدام بدون توجه به گذشت چهارده قرن و مندرس و منسوخ شدن احکام قرآنی و عدم تطابق آن با شرایط و نیاز های زمان در قرن بیست و یکم؛ به آیات قرآنی استناد می بخشند.

طبق گفته نمایندگان گروه طالبان در رسانه ها طی هفته داغ اخیر از جمله ذبیح الله مجاهد و محمد نعیم، این گروه "نصوص قرآنی"، "احکام الهی" و حکم یگانه مرجع دینی خویش، امیرالمؤمنین (اولی الامر) که بر طبق نص آیت قرآنی "یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" (سوره النساء، آیه ۵۹) «ای اهل ایمان، از فرمان خدا و رسول و صاحبان امر (فرمانداران) که از خود شمایند، اطاعت کنید»، اطاعت و اجرای فرامین صاحبان امر بر هر مؤمن و طالب واجب است و آیت ۵۲ از سوره نور نیز در بخش اطاعت و سر به زیری مسلمانان از خدا، پیامبر و صاحبان امر محتوای مشابه با آیت فوق دارد؛ طالبان پیروی از این آیت را وجبیه اسلامی و آیت قرآنی ۱۷۹ از سوره بقره، آیت ۲ از سوره نور و آیت ۳۳ از سوره الاسراء را به عنوان رهنمود قرآنی و الهی پایه اسلامی این سیاست ضد انسانی و اجرائی ساختن آنها از جمله تازیانه زدن و قصاص قرار داده، آن را صد در صد اسلامی نامیده و به گونه علنی از آن دفاع کرده و مخالفت با آن را اهانت به اسلام دانسته است. مرجع عالی و به پیروی از وی، قضات بیدادگاه های طالبان برای اسلامی نامیدن این اقدام جنایتکارانه، قصاص و دره زدن زنان و مردان در ملأ عام، این سه آیت های قرآن را در مورد مجاز بودن قصاص، شلاق زدن و اجرای عدالت بدوی و عتیقه اعراب، به شهادت طلبیده اند تا مؤمنین و مؤمنات در مورد صحت و اعتبار آن دچار شک و تردید نشوند. مضاف بر این، آیت مشهور ۳۱ سوره نور زنان را در حد تبدیل شدن به ملعبه هوا و هوس مردان و شوهران شان و به حجب و پرده پوشی و دور از انظار نامحرممان مانند زنان (سیطره اراده مردان بر زندگی زنان و حاکمیت مردان بر جسم و تن زنان) فرامی خواند که با نیاز های زندگی امروزی بشر و ضرورت بیرون شدن زنان از حصار منزل، سازگاری ندارد. و موارد فراوان دیگر....

من اسلام شناس و خیره در امور اسلامی نیستم. لذا، نمی توانم این بحث را به استناد احکام قرآنی یا همان فرضیه فاقد اثبات "کلام الله" بودن قرآن در مورد کلیت رویکرد ها، سیاست ها، مواضع و عملکرد های ضد انسانی طالبان، در

مطابقت کامل با اصول اسلامی مرجع و رهنمود های قرآنی، ثبوت کنم. این کار را می گذارم به خبرگانی که بر اصول بنیادین اسلامی و احکام قرآنی اشراف دارند.



صحنة شلاق زدن طالبان سه زن و ۹ مرد را به تاريخ ۲ قوس در ولايت لوگر افغانستان در محضر مردم

از نظر من در حد فهم محدودم از اسلام، کلیت رویکرد ها، سیاست ها، مواضع و عملکرد های ضد انسانی طالبان و تفکر سنگگ شده آنان به شمول برتری خواهی ایدئولوژیک و گروهی، دره، سنگسار، اعدام در حضور مردم به شکل قصاص، ضدیت با حقوق برابر و کامل انسانی زنان با مردان در کلیه عرصه های زندگی و سازندگی به شمول اولی الامر شدن، تکیه بر مسند قضا و کسب دانش از سطح پایه تا عالی، در تطابق کامل با رهنمود های معتبر ترین مرجع اسلامی (قرآن)، صد در صد اسلامی و عین اسلام است و در آن شک و شبهه ای وارد نیست. از این منظر من با نمایندگان طالبان مبنی بر اسلامی نامیدن این سیاست ها و برپائی محاکم صحرائی دره زدن و اجرای قصاص در حضور عام به عنوان احکام قرآنی، کاملاً موافقم. من همین اجرای مو به موی احکام قرآنی را "جنایت اسلامی" می دانم و با آن مخالفم. امیرالمؤمنین نادیده طالبان تازه این دستور را صادر کرده و محاکم طالبان آن را اجرائی کرده اند. طبق آخرین اخبار، طی دو هفته اخیر نخستین موج این جنایت به تعداد ۵۷ تن از زنان و مردان کشور را در محضر عامه دره زده، قصاص کرده و به کرامت انسانی و حقوق متهمان برای دفاع از خود و اصل قسم خوردن نهائی متهمان برای انکار به نام خدا قبل از اجرای "حد" اسلامی، تاخته اند. به استثنای مورد آخری، این همان اسلام است؛ نه اسلام معتدل و نه اسلام متشدد، فقط اسلام سره.

طی دو هفته اخیر، به موازات برپائی محاکم صحرائی طالبان در ولایت های خوست، لوگر، پروان، بدخشان، تخار، ننگرهار و فراه، موجی از اعتراض و انزجار مردم و به ویژه جوانان دختر و پسر فضای رسانه های اجتماعی را درنوردیده و ضمن محکوم کردن این عمل شنیع اصیل اسلامی دادگاه طالبانی، آن را عمدتاً از روی بی اطلاعی از اصول اسلامی و احکام قرآنی و یا در مواردی با انگیزه دینی و یا سیاسی برای آب تطهیر ریختن به صورت اسلام عزیز و جدا دانستن آن از تفکر و عملکرد طالبانی، خلاف اصول اسلامی انگاشتند.

این عده که قصاص و محاکم صحرائی را متأثر از تغییرات وارده بر احکام دینی و قرآنی و ایجابات زمانی طی قرون، سازگار با شرایط زمان نمی دانند، در واقع ندانسته یا حکم به منسوخ شدن و یا کلام الله ندانستن قرآن داده و ناخودآگاه به "لاریب فیه" بودن قرآن و معروض به منسوخ شدن "آخرین کتاب آسمانی" مثل تورات و کتاب و صحایف پس از آن و منسوب بودنش به خدای موهوم لامکان، به باور بی خدایان - مصنوع دست بشر - شک روا داشته اند.

با این عملکرد جنایتکارانه گروه افراطی مزدور و مرتجع طالبان در حق مردم مظلوم افغانستان شامل توده های رنج و کار، زنان، فرهنگیان، روشنفکران، دانشگاهیان، گروه های قومی و اقلیت های مذهبی معروض به ستم؛ رویکرد دول و بلوک های امپریالیستی - ارتجاعی شرقی و غربی - به ویژه بلوک مهاجم غربی - که ریاکارانه از دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان و لیبرالیسم بورژوائی دم می زنند؛ در قبال جنایات سیستماتیک گروه و اداره ضد ملی و ضد مردمی طالبان و آلام و مصائب بی پایان و ناتمام مردم ستمدیده افغانستان، آمیخته با چشم پوشی، بی تفاوتی، نظاره گری و تأیید تلویحی جنایات طالبان است.

اینک به نمونه هائی از به نعل و میخ کوبیدن و انتقاد سالوسانه "ملل متحد" و ریاکاری آشکار دول امپریالیستی غربی ایجادگر و حامی گروه مزدور طالبان در قبال برپائی محاکم صحرائی "امارت اسلامی" طالبان توجه خوانندگان محترم را جلب می کنم:

پس از اجرای نخستین حکم اسلامی قصاص به دستور و تأیید امیر المومنین پرده نشین یا ناموجود گروه طالبان، اداره یوناما وابسته به ملل متحد و سخنگوی سرمنشی آن نهاد در زمینه سخنانی گفتند که نه گروه طالبان آن را جدی گرفت و نه ضمانت اجرائی دارد:

* "یوناما به گروه طالبان: مجازات اعدام را بی درنگ متوقف کنید". همزمان، استفانی ترمبلی، سخنگوی دفتر دبیرکل ملل متحد در عین مغالزه نمایندگان این سازمان با رهبران طالبان، در یک جلسه خبری گفت: "ملل متحد بشدت نگران اولین اعدام در افغانستان پس از ورود طالبان است".

* رینا امیری که در نقش ملعبه پوشالی در دست دولت امپریالیستی امریکاست؛ دولتی که خود مسؤل و مسبب درجه یک به قدرت رسیدن طالبان و ادامه جنایات هول انگیز سیستماتیک این گروه محسوب می شود؛ از جایگاه نماینده بی مقدار و نام نهاد ویژه وزارت خارجه امریکا در امور حقوق بشر و زنان افغانستان، در تونینر "شلاق زدن متهمان از سوی طالبان را بازگشت این گروه به نسخه اولیه اش عنوان کرده و ریاکارانه اظهار داشت که شلاق زدن طالبان "وحشتناک و نشانه خطرناکی از سرکشی در برابر جهان" است. همین امپریالیسم غدار و دروغ پرداز امریکا و "نماینده" اش "خلیلزاد" بود که سالوسانه در آستانه سپردن قدرت به گروه طالبان، از تغییر در "نسخه اولیه" این گروه دم می زدند؛ حالا رینا امیری این ملعبه افغان تبار از "شلاق زدن وحشتناک" طالبان و "سرکشی در برابر جهان" شیدانه گله دارد. این نماینده پوشالی آنچه برایش دیکته شده بود، را بدون این که به نقش دوامدار امپریالیسم جنایتگستر امریکا در تقویت گروه فاشیستی طالبان و هموار ساختن جاده برای انتقال این گروه وطفروش به ارگ مزدوران قبلی امریکا و حمل هوائی دولی رهبران گروه طالبان توسط طیاره نظامی امریکائی تا قندهار و تا ارگ پوشالیان کابل و سپس کمک ۱.۸ میلیارد دلاری به "امارت" جنایت اسلامی طالبان، یادی کند، طوطی وار تکرار کرد.

* توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه امپریالیستی اروپا برای افغانستان، روز شنبه، ۶ قوس، در صفحه تویتر نگاشته است که "طالبان از اگست سال گذشته به این سو در مورد احترام به حقوق بشر عقبگرد جدی داشته اند". "تنبیه بدنی نوعی رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز است که براساس کنوانسیون منع شکنجه و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ممنوع شده است". اتحادیه امپریالیستی اروپا شریک تجاوز، اشغالگری و جنایت

امپریالیسم متجاوز امریکا در افغانستان است. تمام جریان مذاکرات و معاهده ننگین دوحه در حضور و با تفاهم نماینده اتحادیه اروپا بین گروه طالبان و دولت امریکا امضاء شد. این اتحادیه سخت ریاکار است و در آن هنگام می دانست که کلیه مواضع و عملکرد های گروه منافق طالبان از همان سال ۱۹۹۴ م زمان ایجادش تا انتحار و انفجار ۲۰ ساله اخیر توأم با ارتکاب جنایات جنگی و نسل کشی و "تنبیه بدنی یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز" طالبان آشکارا در تقابل با "کنوانسیون منع شکنجه و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" قرار داشت و هنوز هم دارد. با این همه، این اتحادیه ریاکار امپریالیستی همپای امریکای غارتگر، برنامه تاراج ثروت های غنی افغانستان را در سر می پروراند. لذا به رغم این تقابل کلی طالبان با کنوانسیون ها و میثاق های بین المللی، اتحادیه امپریالیستی اروپا به امید دستیابی به سهم خود از تاراج گنج شایگان افغانستان و نقش آفرینی در کنار امریکا در برابر روسیه و چین در منطقه، دست مودت پنهانی و نیمه علنی با گروه فاشیست طالبان داده است.

* دولت امپریالیستی فرانسه به مثابه یکی از چندین دولت عضو سازمان نظامی ناتو و اتحادیه امپریالیستی اروپا و به طور کلی متحد امریکا، در خط کلی این دو نهاد حرکت می کند و همان قدر شقی، ستمگر، جنایت پیشه و ریاکار است. در عین حال دولت امپریالیستی فرانسه از دهه هشتاد میلادی به بعد روابط نزدیک با گروه اخوانی مسعودی شورای نظار داشته است و حتی از آستانه تحویل مسالمت آمیز قدرت به گروه مزدور طالبان برای مسعود جلا د معدوم، در اوایل سال ۲۰۲۱م در گوشه پارکی به قدر ارزش آن مزدور اخوانی، در حضور نوچه اخوانی مسعود - احمد مسعود - که مدعی ادامه راه پدرش است و عبدالله برای آن جلا د لوح یادگار برافراشته و روی نسل امروزی مسعودیان سرمایه گذاری کرده است. با داشتن این تفاوت با بقیه دول اروپا، در واکنش نسبت به قصاص یک متهم در فراه، سفیر فرانسه برای افغانستان دیوید مارتینون، چهارشنبه شب، ۱۶ قوس، در توئیتر نوشت که "با اجرای حکم قصاص در حضور رهبران طالبان در فراه، روند طالبانی شدن افغانستان کامل شده است".

* دولت امپریالیستی المان نیز مثل فرانسه به مثابه یکی از چندین دولت عضو سازمان نظامی ناتو و اتحادیه امپریالیستی اروپا و به طور کلی متحد امریکا، در خط کلی این دو نهاد حرکت می کند و همان قدر شقی، ستمگر، جنایت پیشه و ریاکار است. با این رویکرد و مواضع دوگانه، سفارت دولت المان برای افغانستان، شلاق زدن در حضور مردم را "نقض شنیع کرامت انسانی" دانسته است. این سفارت روز دوشنبه، ۷ قوس، با نشر توئیتی گفته است: "طالبان نیز مکلف به رعایت حقوق بین دول و کنوانسیون منع شکنجه ملل متحد اند". در این اظهاریه نماینده باصلاحیت دولت المان نیز عدم صراحت و شفافیت نهفته است. توجه بفرمائید که سفارت المان شلاق زدن در حضور مردم را "نقض شنیع کرامت انسانی" دانسته است، نه نفس شلاق زدن را. یعنی اگر پولیس مذهبی و شکنجه گران گروه طالبان "در خفا در مراکز شکنجه و دور از دید مردم شلاق بزنند، به رگبار بندند و اعدام کنند، از نظر دولت عالیه المان کدام اشکال قانونی و حقوقی ندارد. در حالی که دولت امپریالیستی المان با سربازان اشغالگرش که مثل همتایان امریکائی شان در مربوطات ولایت بلخ جمعه انسان افغان را به رسم تفنن و سخریه به لگد زدند، علاوه از جنایات سربازانش، در کنار امریکا مسؤل و شریک جنایات طالب است و از قبل نماینده اش در جریان مذاکرات دوحه بود و تفاهم داشت، می دانست که طالبان از بدو امر "مکلف به رعایت حقوق بین دول و کنوانسیون منع شکنجه ملل متحد" نبوده و نیست، ولی نمایندگی رسمی آن در موقعیت سفارت دولت المان برای اغوای مردمان کشور خود و جهان فریبکارانه چنین توقع بی جای و انتظار دور از واقعیت و تحقق از فاشیست ها و وحوش طالبان را دارد: "طالبان نیز مکلف به رعایت حقوق بین دول و کنوانسیون منع شکنجه ملل متحد اند". چه انتظار باطلی توسط اهالی جنگل از همدیگر !!!

بر پایه اصل سرشت و سرنوشت حساب ارتجاع طالبی و هر گروه و نیروی سیاسی و طبقاتی ارتجاعی و طالب سرشت از حساب امپریالیسم جهانی جدا نیست. قدرت های معین امپریالیستی مثل امریکا، انگلستان، فرانسه، المان و... و در کمپ دیگر روسیه و چین، هر یکی منافع تاکتیکی و ستراتیژیکی در قبال جغرافیای معین، از جمله افغانستان دارند. درست بر پایه این منافع دوامدار، از میان نیرو های ارتجاعی همسرشت و همسو با استعمار و امپریالیسم در مقطعی نیرو های معینی را بر کشیده و یارگیری می کنند. اما در این میان این منافع قدرت های امپریالیستی در غرب و شرق است که دائمی است و دوستی شان با نیرو های سیاسی - طبقاتی همسرشت متغیر است. در مقطعی این نیرو از منافع یک قدرت یا بلوک امپریالیستی پاسداری می کند، در مقطعی دیگر نیروی دیگری. لذا منافع قدرت های استعمارگر دائمی و دوستی آنها مقطعی است. طوری که دیده شد، یک نوبت مجاهدین، در نوبت دیگر طالبان در نقش تأمین کننده بومی شرکت های غارتگر غربی، در دفعه سومی حین حضور اشغالگرانه امپریالیستی در افغانستان، تکنوکرات ها و جهادی های بدنام و در دور کنونی رجعت به طالبان و شاید فردا ها ترکیبی از این گروه ها.

در مقابل این همسرشتی و پیوند تاریخی امپریالیسم و ارتجاع و به ویژه در افغانستان نیرو های سیاسی - طبقاتی ارتجاع اسلامی در هیأت ارتجاع فئودال - کمپرادوری، صف مردم ستمکش و استعمارشونده افغانستان در همسرشتی با صفوف و مبارزات زحمتکشان جهان قرار دارد. این منافع متقابل مردمی در سطح گیتی هم دائمی و هم مشترک است. لذا ظرفیت های مبارزاتی مردمی چه در زمان حال و یا آتیۀ نزدیک باید در عین تقابل با صف کلی امپریالیسم و ارتجاع - با توجه به عمده بودن تضاد هر مقطع، برخورداری از نرمش های تاکتیکی و قدرت مانور - این همسرشتی امپریالیسم و ارتجاع، به ویژه ارتجاع اسلامیت را مد نظر داشته باشند. فقط با پیمودن موفقانه این راه خواهد بود که مردم مظلوم افغانستان از سیطره فاشیسم لجام گسیخته طالبانی و دره، سنگسار و محاکم صحرایی آن و دورویی و ریاکاری دول حامی و همسرشت امپریالیستی و دزد گنجینه ملی مردم شجاع افغانستان و بی زبانی و مهرهی سازمان ها و محافل غربی و شرقی با کلیت این جریان ستمگری غارتگری و ریاکاری، رهائی یابند.

مرگ بر ارتجاع حاکم طالبانی و حامیان امپریالیست و مرتجع آن!

مهار خشونت سبعانه طالبان در گرو سازماندهی هدفمند ظرفیت های رزمجوی مردمی است!